

**Predigt zum 2. Sonntag im Advent, am 8.12.2024,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Jesaja 35,1-10:

بیابان به وجد خواهد آمد، صحرا پر از گل خواهد شد 1

و سرود و شادی همه جا را پر خواهد ساخت. بیابانها مانند کوههای لبنان سبز و خرم خواهند شد و 2
صحراها همچون چراگاههای کرم و چمنزارهای شارون حاصلخیز خواهند گردید. خداوند شکوه و زیبایی
خود را نمایان خواهد ساخت و همه آن را خواهند دید.

مردم دلسرد و مایوس را با این خبر شاد کنید 3

به آنانی که میترسند، قوت قلب دهید و بگویید: «دلیر باشید و نترسید، زیرا خدای شما میآید تا از 4
«دشمنانتان انتقام بگیرد و آنها را به سزای اعمالشان برساند»

وقتی او بیاید چشمهای کوران را بینا و گوشهای کران را شنوا خواهد ساخت 5

،لنگ مانند آهو جست و خیز خواهد کرد و لال سرود خواهد خواند. در بیابان، چشمهها و در صحرا 6
نهرها جاری خواهند شد.

شورهزار به برکه، و زمین خشک و تشنه به چشمه تبدیل خواهند گردید. آنجا که شغالها در آن 7
میخوابیدند از علف و بوریا و نی پر خواهد شد.

در زمین ویران راهی باز خواهد شد و آن را «شاهراه مقدس» خواهند نامید و هیچ شخص بدکار از آن 8
عبور نخواهد کرد. در آنجا خداوند همراه شما خواهد بود و کسانی که در آن گام بردارند اگرچه جاهل
باشند گمراه نخواهند شد.

در کنار آن راه نه شیری کمین خواهد کرد و نه خطر دیگری وجود خواهد داشت. نجات یافتگان در آن 9
سفر خواهند کرد.

و کسانی که خداوند آزادشان کرده، سرودخوانان با شادی جاودانی، از آن راه به اورشلیم خواهند 10
آمد. غم و ناله آنان برای همیشه پایان خواهد یافت و جای خود را به شادی و سرود خواهد داد.

جامعه عزیز چند سال پیش کتاب چشم جادویی را هدیه گرفتم. وقتی آن را ورق می‌زنید، این تصور را دارید که
فقط الگوهای انتزاعی را می‌بینید. اما این الگوها یک تصویر سه بعدی را پنهان می‌کنند. برای تشخیص آن
باید از یک ترفند کوچک استفاده کنید - و همچنین کمی تمرین. اما ناگهان یک ستاره پشت همه پروانه‌ها
دید می‌شود. یا در چمنزار پشت حصار ناگهان اسبی در میان درختان ظاهر می‌شود. خطبه امروز درباره
چنین تصویر سه بعدی "جادویی" است - تصویری با سه سطح در موضوع ظهور

ظهور یعنی رسیدن. خدا از سه طریق وارد دنیای ما می‌شود. در قسمت‌هایی از کتاب مقدس که قبل از
کریسمس در نظر می‌گیریم، این سه راه مختلف ورود خدا به دنیای ما نقش دارند. ما فکر می‌کنیم
ظهور گذشته، زمانی که خدا در عیسی مسیح انسان شد .

ظهور آینده، زمانی که خداوند در پایان روزها پادشاهی خود را با شکوه و جلال درک خواهد کرد .

و ظهور زمان حال، زمانی که مسیح از طریق روح القدس به قلب ما می‌آید .

ظهور مانند یک تصویر "جادویی" سه بعدی است. گاهی یک موتیف را می‌بینیم، گاهی دیگری و گاهی همه را
با هم. ظهور، گذشته، حال و آینده را در بر می‌گیرد که یکی مدام تحت الشعاع دیگری قرار می‌گیرد. در مورد
قسمتی از کتاب اشعیا نبی که همین الان شنیدیم هم همینطور است. اکنون می‌خواهیم با شما به سطوح
تصویر فردی نگاه کنم.

ظهور آینده 1.

ما منظره ای متروک و خاکستری قهوه ای را می بینیم. نه یک درخت، نه یک بوته - همه چیز خشک، متروک و گویی مرده است. اما ناگهان تصویر تغییر می کند. ناگهان یک نقطه سبز ظریف و سپس قرمز و زرد را کشف می کنیم که همه جا شکوفا می شوند. کویر خشک باغ می شود. گلهای جوانه می زنند، نهرها جاری می شوند زنبورها زمزمه می کنند، پرندگان آواز می خوانند، درختان شکوفه می دهند. جایی که شن های درخشان وجود داشت، ماهی ها در حوضچه ها شنا می کردند. جایی که زمانی شغال ها زندگی می کردند، علف، نی و پایپروس رشد می کرد.

آمدن خدا شفای طبیعت آسیب دیده و رنج دیده را می دهد - تصویری پر از امید: امید به مناطقی که به دلیل که از تشنگی می میرند، امید بمباران مداوم به منظره ماه تبدیل شده اند، امید به مراتع خشکیده و حیواناتی شسته شد آفرینش به طور شنیدنی و آشکار نفس راحتی می کشد. او زده نیز به دره ها و روستاهای سیل جلال خداوند، جلال خدای ما» را می بیند»

اگر دوباره به این تصویر ظهور نگاه کنیم، مردم را کشف می کنیم. افرادی که نابینا هستند راه خود را از طریق تاریکی خود احساس می کنند. افرادی که ناشنوا هستند با دستان خود ژست می گیرند و سعی می کنند بفهمند افرادی که مشکل راه رفتن دارند به سختی خود را به جلو می کشند. اما ناگهان نابینایان چشمان خود را باز می کنند و برای اولین بار نور را می بینند. کبوترها لبخند می زنند چون ملودی می شنوند. مردم لنگان عصاهای خود را دور می اندازند و مانند کودکان می پرند. چه امیدی: هر چیزی که ما را می شکند، هر چیزی که ما را سنگین می کند - بیماری، درد، تنهایی - یک روز به پایان خواهد رسید. خدا می آید. او همه چیز را جدید می کند!

ما جزئیات بیشتری را در این اولین تصویر ظهور کشف می کنیم: مسیری وجود دارد که از میان این منظره شکوفه می گذرد. مسیر به خوبی آسفالت، مستقیم و امن است. مردم می توانند با خیال راحت در آنجا قدم بزنند. زیرا در این جاده «شیر و هیولای درنده وجود ندارد... فقط رستگاران آنجا می خندند، می رقصند و آواز می خوانند». چهره هایشان از شادی می درخشد زیرا سرانجام در سفر به مقصدشان یعنی کوه صهیون اورشلیم آسمانی می رسند. دیگر نه اشکی وجود دارد، نه غم و نه رنج، فقط شادی و سعادت. درد و آه برای همیشه از بین رفته است.

چه هدفی! این وعده خدا به ما است: نه رنج، نه درد، حرف آخر را می زند، بلکه شادی، شادی کامل و ابدی! در حضور اوست. وقتی خدا در آخرالزمان به سراغ ما بیاید اینگونه خواهد بود
دومین ظهور گذشته

اگر اکنون موقعیت تصویر "جادویی" خود را دوباره تغییر دهیم، پانورامای بزرگ ناپدید می شود و گروهی از افراد ظاهر می شوند. آنها ظاهراً در یک جاده گرد و خاکی در یک شهر کوچک سفر می کنند. حالا می ایستند و دور مردی می ایستند. آنها با دقت به آنچه او انجام می دهد نگاه می کنند و با طلسم به آنچه می گوید گوش می دهند.

مرد وسط دستش را روی شانه طرف مقابل می گذارد. او به نگاه پرسشگر و مشکوک خود با مهربانی و گرمی پاسخ می دهد. توجه او او را تشویق می کند تا تردیدها و سوالات خود را بیان کند. چشمان عاشق امید را در او بیدار می کند. او و دوستانش که با او آمدند از پیروان یحیی تعمید دهنده هستند. او در زندان است و تردید دارد که آیا امیدش به مسیح موجه بوده است یا خیر. به همین دلیل دوستان خود را نزد عیسی فرستاد اکنون از طرف یحیی از او می پرسند: «آیا تو آن کسی هستی که باید بیاید یا باید منتظر شخص دیگری باشیم؟» و عیسی به آنها پاسخ داد: «آنچه را می شنوید و می بینید، به یوحنا بگویید: «کورهای می بینند و لنگ ها راه می روند جذامیان پاک خواهند شد و ناشنویان خواهند شنید، مردگان برخیزند و انجیل به فقرا موعظه خواهد شد. او مطمئن است: «این سخنان برای من محقق خواهد شد. خدا می آید. ظهور جایی
» است که من می روم

از صفحه اول تا آخر، انجیل این تصویر را ترسیم می کند که چگونه خدا از طریق عیسی مسیح به مردم می آید و چگونه مردم از بیماری، گرفتاری، گناه و مرگ رهایی می یابند. گزارش های آنها روشن می کند که چگونه

ملکوت خدا با او طلوع می کند. آنها از ظهور خدا در دنیای ما می گویند. ورود او کاملاً متفاوت از آنچه انتظار می رفت است. این با بدبختی به عنوان یک کودک در آخور آغاز می شود و در نهایت به مرگ وحشتناک او بر روی صلیب منجر می شود. اما به همین جا ختم نمی شود. عیسی در قبر نماند، بلکه از مردگان برخاست. اینگونه است که او به عنوان یک انسان زنده به ما می آید.

3. ظهور زمان حال

آخرین بار ما دیدگاه را به تصویر "جادویی" خود تغییر می دهیم. اکنون در مسیر کوه صهیون، به سوی شهر مقدس اورشلیم، ناگهان مردم شادی را می بینیم. اما آن چیست؟ باورش سخت است! یکی از این افراد شبیه من است. در واقع، این چهره من است! ناگهان مانند کسی در راه رسیدن به پادشاهی ابدی صلح هستیم. و این فقط من نیستیم. شما همچنین خودتان را کشف می کنید، و همین طور. یک دسته کامل از چهره های آشنا که در تصویر داریم

اینجا ظهور برای من حاضر می شود. من می دانم که تصویری که اشعیا در اینجا نشان می دهد به هیچ وجه با واقعیت فعلی مطابقت ندارد. بلکه آینده را توصیف می کند که بسیار متفاوت خواهد بود. اما اگر آینده خدا نبود این فقط یک رویای دست نیافتنی بود. و این به من امید می دهد. این مرا به حرکت در می آورد. این عکس آخر به یک معنا عکس هدف زندگی ماست. این به ما نشان می دهد که وقتی آن را ساخته ایم چگونه به نظر می رسد. ما در راه با خدا ماندیم. او به ما نیرو داد و ما را نگه داشت. این تصویر ما را تقویت می کند که در واقع به هدف خود خواهیم رسید - مهم نیست در آینده چه اتفاقی می افتد. به ما آرامش می دهد. هر چه بر سرمان بیاید، با کمال میل از خداوند یاری می جوئیم و تسلیم اراده او می شویم. او می خواهد از ما استفاده کند. ما با او خوب هستیم. و هر چه از ما ایراد دارد، درست می کند. او امروز به من و شما می گوید: «شجاعت داشته باشید، نترسید! بین خدای تو هست! قصاص می کند و عدالت را ایجاد می کند. خودش می آید تا تو را تحویل دهد»

متن لوتر از "انتقام" صحبت می کند. اما این ترجمه به طور غیرمنطقی درک ما را محدود می کند. اصطلاح عبری شامل مجازات و همچنین پاداش و احیای عدالت است. هدف عذاب خداوند تعدیل نابرابری های بین مردم و مردم و خداوند است. مجازات او می خواهد ما را به «آزادی شکوهمند فرزندان خدا» رها کند (رومیان 8:21)، به زندگی بدون ترس، بدون شرم، بدون خود بزرگ نمایی تشنج آمیز پیام پیامبر برای ما روشن می کند: آمدن خدا با ما بدون تأمل نیست. عدالت خدا در ما بدون توبه حاصل نمی شود.

در طول ظهور، ما به لحظات پاکسازی درونی با خدا نیاز داریم، جایی که اشتباهات را می بینیم، به گناهان خود نگاه می کنیم، از گناه پشیمان می شویم، طلب بخشش می کنیم و آشتی می یابیم. چون امروز خدا به سراغ ما می آید!

دلت را بگیر، نترس! ببینید، این خدای شماست! «این دقیقاً همان چیزی است که ظهور دارد. ما به ظهور خداوند در دنیای خود، در گذشته، در حال و آینده نگاه می کنیم. ما می توانیم هر سه سطح را در تصویر جادویی "خود کشف کنیم. از یک طرف آنها جدا به نظر می رسند، اما از طرف دیگر همه چیز در همان" زمان است

ما خدا را همانطور که آمد، در عیسی مسیح می بینیم - به عنوان یک کودک در آخور، به عنوان نجات دهنده برای خسته ها و بارها، به عنوان نجات دهنده از گناه و مرگ. «دلت را بگیر، نترس! بین این خدای توست»

ما خدا را در آخرالزمان می بینیم. همه چیز جدید خواهد بود. و ما در میانه همه چیز هستیم - مهم نیست «چه اتفاقی می افتد!» دلت را بگیر، نترس! بین این خدای توست و سرانجام ما آمدن خدا را در حالی که با ما حرکت می کند درک می کنیم. ترانه های ظهور در این باره حکایت می کنند - مثل همان چیزی که در آغاز خواندیم: «خدا به برکتش می آید/ در راه به دیدار ما می آید، / به «جان های بی قرار آرامش می دهد»

«ظهور سه گانه: «شجاعت داشته باشید، نترسید! بین این خدای توست»